

# مسائل ساده را پیچیده نکنیم گاهی وقت ها

آنچنان مسائل ساده را پیچیده کرده و رخت سختی و نشدنی بر تنش می کنیم که نومیدی و یأس و دست کشیدن از کارها و دل نبستن به امور را می تواند به دنبال داشته باشد.

به این حکایت توجه کنید:

امتحان پایانی درس فلسفه بود. استاد فقط یک سؤال مطرح کرده بود. سؤال این بود: شما چگونه می توانید مرا متقاعد کنید که صدلی جلو شما نامرئی است؟

تقریباً یک ساعت زمان برد تا دانشجویان توانستند پاسخ های خود را در برگه امتحانی شان بنویسند. چند روز بعد که استاد نمره های دانشجویان را اعلام کرد یکی از دانشجویان بالاترین نمره کلاس را گرفته بود. او در جواب فقط نوشته بود: کدام صدلی؟!

چرا با طفره رفتن از جواب به برخی از سؤالات بر پیچیدگی موضوع می افزائیم و یک بحث ساده را به معضلی تبدیل می کنیم. معضلی که می تواند اختلاف آفرین باشد و تیشه به ریشه دوستی ها و رفاقت ها بزند. مثلاً آیا به طور کامل و روشن تکلیف بازنشسته ها برای ثبت نام در تصدی ریاست هیئت های ورزشی استان مشخص شده است؟ آیا در ورزش ما برابری 27 سال سن با 35 سال به اثبات رسیده است؟

آیا نقش مثبت میزبانی مسابقات بین المللی در توسعه گردشگری به اثبات رسیده و آماری از این بابت در اختیار است؟ آیا ادامه فعالیت رؤسای هیئت های ورزشی که مهلت قانونی آنها به اتمام رسیده برای همه رؤسا امکان پذیر است و یا فقط نورچشمی ها از این نعمت بهره مند می شوند؟

وقتی در مجموعه ای و تشکیلاتی رفتارها بر مبنای عدالت انجام بگیرد دیگر نیازی به پیچیده کردن مسائل ساده نخواهد بود. بدانیم زمانی که برای اجرای عدالت بی اعتنائی بشود به آرامی عدالت جای خود را به تبعیض خواهد داد و متعاقب آن نابسامانی در هر مجموعه ای حاکم خواهد شد.

